

تأثیر جزیه بر مصونیت نظامی زرتشتیان و تداوم حیات آن‌ها

سمانه خلیلی فر* محمد محمودپور**

چکیده

جزیه یا سربها از جمله مالیات‌های پیش از اسلامی است که در دوره اسلامی متناسب با اهداف و آرمان‌های جامعه اسلامی با تغییراتی امضا شده است. غیر مسلمانان ساکن در قلمرو اسلامی (اهل ذمه) برای بهره‌مندی از مصونیت نظامی و باقی ماندن بر آیین خود به حاکم اسلامی جزیه پرداخت می‌کردند. پرسش اصلی پژوهش این است که پرداخت مالیات جزیه چه تأثیری بر حیات زرتشتیان ایران گذاشته است؟ به نظر می‌رسد جزیه برای الزام و اجبار اهل ذمه به پذیرش اسلام وضع شده باشد. بررسی متون اولیه تاریخی نشان می‌دهد که برقراری جزیه نه تنها موجب گرایش زرتشتیان به اسلام نشد و دشواری خاصی برای زندگی آنان ایجاد نکرد؛ بلکه سبب شد تا زرتشتیان با پرداخت جزیه از نظر نظامی و امنیتی مصونیت پیدا کرده بر دین خود باقی بمانند. همچنین، نشان داده شد که گرایش تدریجی زرتشتیان به اسلام نه رهایی از فشار مالیات جزیه، بلکه برای به دست آوردن موقعیت‌های اجتماعی بهتر و برای جذب شدن در جامعه غالب اسلامی بوده است.

واژه‌های کلیدی: جزیه، زرتشتیان، گرایش به اسلام، فتوحات، مالیات سرانه.

** نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران.

Samane.khalilifar@ut.ac.ir

* استادیار گروه جغرافیای تاریخی، بنیاد دائره المعارف اسلامی. m.mahmoudpour@rch.ac.ir

| تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۸ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۰۹ |

مقدمه

برای جزیه یا مالیات سرانه (بلاذری، ۱۹۸۸: ۷۴)، به اعتبار ریشه کلمه، معانی متفاوتی قائل شده‌اند. برخی واژه جزیه را کلمه‌ای عربی و مأخوذ از ماده «جزاء» به معنای جزای باقی ماندن غیرمسلمانان بر دین خود یا جزای تأمین امنیت و مصونیت نظامی آنان دانسته‌اند (ماوردی، ۱۹۷۳: ۱ / ۱۴۲؛ ابن فراء، ۱۹۸۳: ۱ / ۱۵۳) و برخی دیگر از لغت‌شناسان، آن را همچون برخی اصطلاحات مالی و دیوانی، وام گرفته از زبان پارسی می‌دانند (جفری، ۱۹۳۸: ۱۰۲؛ قدامه بن جعفر، ۱۹۸۱: ۲۰۴ - ۲۰۵؛ ابن قیم جوزیه، ۱۹۸۳: قسم یک، ۲۲؛ خوارزمی، ۱۳۴۲: ۱ / ۳۹؛ صابریان، ۱۳۸۵: ۷۹-۷۸). با توجه به شباهت زیاد این واژه با کلمه «گزیت» یا «سرگزیت» فارسی و همچنین با توجه به نزول آیه ۲۹ سوره توبه برای امضای چنین حکمی، به نظر می‌رسد که اعراب پیش از اسلام چندان آشنایی با این نوع از مالیات نداشته‌اند؛ از این رو، دیدگاه دوم، یعنی پارسی بودن واژه جزیه، منطقی‌تر و پذیرفتنی‌تر می‌نماید. از منظر فقهی، جزیه مبلغی بود که از اهل کتاب گرفته می‌شد و در ازای آن جزیه‌دهندگان ضمن باقی ماندن بر دین خود، با پذیرش حاکمیت اسلام در امان و مصونیت نظامی قرار می‌گرفتند. در واقع، اگر فردی یا گروهی نمی‌خواست اسلام بیاورد، به شرط این‌که توحید را دارا باشد و به یکی از چهار کیش یهود، نصرانی، زرتشتی و صابئین معتقد باشد، آزاد بود تا بر کیش خود باقی بماند و البته نباید تظاهر به مزاحمت با قوانین و حکومت اسلام داشته باشد (طباطبائی، بی‌تا: ۳۲۰/۹). به مالیاتی که رعایای غیرمسلمان‌آساکن در سرزمین‌های اسلامی (اهل ذمه)، سالانه برای تأمین جان و حفظ دین خود و کسب حمایت دولت اسلامی می‌پرداختند، جزیه می‌گفتند (آرنولد، ۱۳۴۷: ۱۰۸). بعدها به دنبال تغییر و تحول در سنت اسلامی، جزیه تنها به مالیات سرانه اطلاق شد. برخی همچون ولهاوزن^۱، بر این عقیده‌اند که فاتحین مسلمان در ابتدای امر هیچ برداشتی از این نوع مالیات نداشتند و هنگام پیروزی در جنگ یا عقد قرارداد صلح، باجی - شامل مبلغ مقطوعی نقد و مقدار

^۱. Jefery

^۲. روایات اتفاق دارند که کلیه افراد غیرمسلمان مالیات سرانه می‌پرداختند جز آنکه شهرهایی مثل حیره که عهدنامه داشتند این مالیات را به ترتیبی که روسای خودشان می‌میزی می‌کردند، می‌پرداختند (دنت، ۱۳۹۱: ۶۵).

^۳. wellhausen

تأثیر جزیه بر مصونیت نظامی زردشتیان و تداوم حیات آنها | ۷۱

معینی محصول زراعی را بر قوم مغلوب می‌بستند. به ظن آنها دو کلمه خراج و جزیه تا قرن دوم هجری مترادف واژه باج بوده است (ولهاوزن، ۱۹۷۳: ۲۷۶-۲۷۷؛ دنت، ۱۳۹۱: ۳۷-۴۴).

جزیه از جمله قوانین پیش از اسلامی بوده که در سنت اسلامی پذیرفته و امضاء شده است. پیش از اسلام، مخصوصاً در دوره ساسانیان، جزیه بر اتباع امپراتوری ساسانی وضع می‌شد. این مالیات به صورت ثابت و یکباره از عموم مردم به استثنای گروه‌هایی خاص وصول می‌شد و به کلیه اشخاصی که صاحب‌خانه و ساختمان بودند تعلق می‌گرفت و نرخ آن بر حسب ثروت و دارائی مؤدیان تعیین می‌شد و آنها را به چند طبقه تقسیم می‌کرد. در ایران عهد ساسانی جزیه تنها به افراد ذکور بالای ۲۰ و زیر ۵۰ سال تعلق می‌گرفت (دینوری، ۱۹۶۰: ۷۱؛ طبری، ۱۹۶۷: ۱۵۱ / ۲؛ کریستن سن، ۱۳۷۴: ۵۶، ۸۲). اما در سنت اسلامی، جزیه صرفاً بر اهل ذمه مقرر شد و در قبال آن حاکم اسلامی متعهد می‌شد تا فضای مادی و معنوی زندگی آنان را پاس بدارد. از این‌رو، در سنت اسلامی از افراد اهل کتابی که توانایی گرفتن شمشیر و نیروی بدنی برای دفاع را داشتند؛ به شرط معافیت از شرکت در جنگ، جزیه اخذ می‌شد. همچنین از زنان و کودکان و کسانی که توانایی نظامی‌گری نداشتند، جزیه گرفته نمی‌شد. بنابراین، واضح است که جزیه پیش از اسلام، از نظر مفهومی و همچنین اهداف قانون‌گذاری ربط مفهومی به جزیه دوره اسلامی نداشته است. جزیه نگاه متعادل اسلام به زندگی مسالمت‌آمیز و برنامه عملی اسلام برای همزیستی و نیز مانع افراط‌گرایی، حمایت از اهل ذمه و نشانه تسامح و مدارای اسلام با غیرمسلمانان بود.

با توجه به مطالب فوق، این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است که جزیه چه تأثیری بر وضع دینی زردشتیان ایران داشته است؟ آیا این جزیه به صورتی وضع شده بود تا پرداخت‌کنندگان را به تدریج و به اجبار به اسلام بخواند یا این که اهداف دیگری در وضع این قانون اسلامی وجود داشته است؟ پژوهش حاضر، با روش تاریخی و به شیوه کتابخانه‌ای به بررسی متون تاریخی پرداخته و در نهایت به شیوه تحلیلی داده‌های

^۱ البته در مواردی که از اهل ذمه برای دفاع، جاسوسی و همکاری با مسلمین استفاده می‌شد، جزیه ساقط می‌شد. چنان‌که درباره جراحیه ساکن کوهستان لُکام در ثغر شام صورت گرفت (یاقوت حموی، ۱۹۶۵: ذیل جراحیه).

اولیه را موردی نقد و بررسی قرار داده است. لازم به توضیح است تحلیل داده‌ها در این پژوهش با دشواری‌های همراه بود. یکی از مهم‌ترین دشواری‌های بحث مورد نظر، عدم شناخت دقیق از پراکندگی مذهبی در ایران پیش از اسلام است. تحلیل‌هایی که درباره ایران قبل از اسلام و زرتشتیان گفته می‌شود بیشتر حاصل کار مستشرقان و از قرن ۱۸ به بعد است که در بیشتر آن‌ها، دین غالب در ایران زردشتی پنداشته شده و به تفاوت‌های دینی در ایران پیش از اسلام و حضور مسیحیان و بوداییان و سایر ادیان، توجه نشده است. چنان‌که چوکسی^۱ نیز در کتاب *ستیز و سازش خود تفکیکی بین ایرانیان و زردشتیان و تنوع مذهبی در ایران نمی‌نهد و به فراخور بحث از این دو واژه استفاده می‌کند* (چوکسی، ۱۹۹۷: ۱۱۲-۱۱۳). با این همه، این نوشتار صرفاً بر روی تأثیر جزیه بر روی تداوم حیات دینی زردشتیان متمرکز شده است و نشان داده است که اعمال این قانون به تنهایی نه تنها موجب گرایش آنان به اسلام نشده؛ بلکه برای مدت چند قرن باعث شده تا آنان از امنیت و مصونیت نظامی کافی برای اجرای مناسک و آیین‌های دینی خود برخوردار باشند. مراد از مصونیت نظامی در این نوشتار آن است که آن‌ها بدون شرکت در امور دفاعی و نظامی حکومت اسلامی، با پرداخت جزیه تحت حمایت و امنیت حکومت اسلامی به زندگی دینی خود می‌پرداختند.

پیشینه تحقیق

افزون بر مقاله «جزیه» در دانشنامه جهان اسلام و دائرةالمعارف بزرگ اسلامی که به کلیات این موضوع پرداخته‌اند، درباره تأثیر جزیه در گروهش اهل ذمه به اسلام آثار چندی نوشته شده که از مهم‌ترین آن‌ها کتاب *مالیات سرانه در اسلام* اثر دنت است که در آن به فلسفه جزیه در اسلام پرداخته شده است. چوکسی نیز در کتاب *ستیز و سازش* درباره تعامل مسلمانان و زرتشتیان و چگونگی تبدیل زرتشتیان از گروهی مغلوب به گروه ستیزگر پرداخته است. وی در این تحقیق چندان توجهی به موضوع جزیه که موجب بقای زردشتیان شده، نداشته است و صرفاً از نگاه زردشتیان و از نظر روانی بر روی تأثیرات غلبه مسلمانان بر جامعه زردشتی متمرکز شده است. در پایان‌نامه خانم میترا صارمی با عنوان «مقایسه مالیات‌های مردم ایران در اواخر دوره ساسانی با

1 . Choksy

2 . Dennet

اوائل دوره اسلامی» پژوهش مناسبی درباره مقایسه مالیات‌های قبل و بعد از اسلامی ایران پرداخته؛ ولی به تأثیرات این‌گونه مالیات‌ها بر روی زندگی مردم ایران و اسلام‌پذیری آنان نپرداخته است. در مقاله «تدابیر روحانیان زرتشتی برای مقابله با تغییر دین به‌دینان، از سقوط شاهنشاهی ساسانی تا پایان سده چهارم»، به قلم آقایان زرین‌کوب و یزدانی راد، اشاره کوتاه و دقیقی به مشوق‌های مالی برای یاری رساندن به نیازمندان زردشتی برای حفظ دین زردشتی شده است. میرحسینی در مقاله «روند بهبود امور زردشتیان ایران و حذف جزیه از ایشان در دوره ناصرالدین‌شاه، با تکیه بر اسناد نویافته در یزد»، به طور مشخص بر روی یزد دوره قاجار متمرکز شده است. نویسندگان مقاله «گسترش دین زرتشت در جزیره العرب و روابط پیامبر (ص) با زرتشتیان»، تأکید بیشتری بر روی دین زردشت داشته‌اند و به بحث جزیه آن‌چنان که باید نپرداخته‌اند. در مقاله «دگرگونی نظام قشربندی اجتماعی در ایران از سقوط ساسانیان تا پایان امویان»، از ساسان‌پور و مفتخری نیز تأکید بر نظام قشربندی و موالی و ورود دین اسلام به ایران به گفتگو پرداخته است. نگارندگان مقاله «انگیزه‌های اقتصادی و دینی ایرانیان در مصالحه با عرب‌ها در قرن نخست بر اساس عهدنامه‌ها (رویکرد مقایسه‌ای)»، نیز با تأکید بر عهدنامه‌های موجود از آن دوران و مقایسه آن‌ها با یکدیگر به واکاوی انگیزه‌های اقتصادی و دینی میان اعراب مسلمان و ایرانیان پرداخته است.

وضع دینی و اجتماعی زرتشتیان بعد از ورود اسلام به ایران

دین زرتشت از چهار قرن پیش از ورود اعراب به ایران دین رسمی ایرانیان بود. گروهی از زرتشتیان در سده اول هجری با غلبه مسلمانان و سقوط دولت ساسانی ترک دین کردند و به واسطه جامعه‌پذیری اسلام آوردند. گروهی به هند مهاجرت کردند و گروهی از آن‌ها نیز با قبول جزیه بر دین خود باقی ماندند. تنها چیزی که این امکان را به زرتشتیان داد تا عقاید خویش را حفظ کنند، مسأله پرداخت جزیه بود. از منابع تاریخی بر می‌آید، در نتیجه رفق و مدارای مسلمانان با زرتشتیان تا قرن پنجم هجری این آیین در ایران هنوز رایج و عده پیروان آن زیاد بود و آتشکده‌ها در شهرهای ایران دایر و موبدان فعالیت‌های دینی و فرهنگی خود را دنبال می‌کردند (اصطخری، ۱۹۲۷: ۱۳۹، ۱۰۰؛ چوکسی، ۱۹۹۷: ۴۵ و ۱۲۷-۱۲۸).

ورود اسلام به ایران تغییر حاکمیت سیاسی و تغییر ساخت اجتماعی - فرهنگی ایران را در پی داشت که در نتیجه آن بخشی از قشر بندی اجتماعی ایران بعد از اسلام متحول شد. در نتیجه کم‌رنگی آئین زردشتی در میان اقشار مختلف ایران، فروریزی ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر عصر ساسانی، قوانین حقوقی و قضائی دین اسلام جانشین قوانین زرتشتی و به تدریج واژه‌ها و مفاهیمی مانند مسلمان و کافر، عرب و عجم، اهل کتاب و نظایر این‌ها نماد حق برابر باطل شد. ورود دین اسلام به ایران که ارزش‌ها و هنجارهای برآمده از دین زرتشتی و نظام شاهنشاهی بر آن حاکم بود، به سرعت نشان داد که تداوم ارزش‌ها و هنجارهای پیشین دیگر با محیط اجتماعی جدید هماهنگی ندارد (ساسان پور و مفتخری، ۱۳۹۰: ۸۲). پس از فتح ایران به دست سپاهیان اسلام، با زردشتیان نیز به منزله اهل کتاب برخورد شد و در کنار آنان که اسلام آوردند، کسانی هم با پرداخت جزیه، بر دین کهن خود باقی ماندند. هر چند در دوره‌های بعد زردشتیان با تنگناهایی از سوی برخی حکمرانان و نیز جامعه اسلامی مواجه شدند و شماری از آتشکده‌های آنان تبدیل به مسجد شد؛ اما، همچنان گزارش‌های نویسندگان دوره اسلامی نشان می‌دهند تا سده پنجم هجری، در ایالت‌های عراق، فارس، کرمان، سیستان، خراسان، طبرستان، جبال، آذربایجان و آران و به‌ویژه در شهرهای نهاوند، ری، همدان، اصفهان، دینور، کرمانشاه، قم، کاشان، دماوند، فهرج، و قصران اکثریت با زردشتیانی بود که تحت رهبری پیشوای خود به انجام آیین‌های دینی می‌پرداختند (اصطخری، ۱۹۲۷: ۱۳۹؛ بویس، ۱۳۸۲: ۱۷۶-۱۸۴؛ رضاقلی‌زاده، ۱۳۸۳: ۶۲؛ زیدان، بی‌تا: ۲۲۷/۱).

مقایسه مقدار جزیه پرداختی ایرانیان در دوره ساسانی و دوره اسلامی

با توجه به این‌که زردشتیان جزئی از امپراتوری ساسانی بودند و تجربه پرداخت چنین مالیات‌هایی را داشتند؛ مالیات‌هایی که به نوعی از باب کمیت (مقدار) و کیفیت (شامل افراد بیشتر)، در دوره اسلامی بسیار سبک‌تر شده بود؛ از این‌رو، مالیات‌های دوره اسلامی را پذیرفتند. به عبارتی، پرداخت جزیه نه تنها فشاری بر آنان وارد نکرد؛ بلکه از دوره قبل هم برایشان سبک‌تر بود. اگرچه در برخی منابع فقهی به حاکم اسلامی توصیه شده که جزیه به صورت تحقیرآمیز از اهل ذمه گرفته شود تا آن‌ها وادار به پذیرش اسلام شوند (مفید، ۱۴۱۰: ۲۶۹؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۵۲/۲)؛ اما در منابع تاریخی

تأثیر جزیه بر مصونیت نظامی زردشتیان و تداوم حیات آنها | ۷۵

گزارش‌های قابل توجهی مبنی بر پذیرش این توصیه از سوی حاکمان مسلمان دیده نمی‌شود.

در دوره اسلامی یکی از اقلام درآمد اصلی خزانه دولت، جزیه بود. مقدار و مبلغ جزیه به دنبال اقدامات عمر بن خطاب، نظم و ترتیبی درخور یافت. این نظم و ترتیب به خلیفه این امکان را می‌داد که برای گسترش فتوحات و یا اداره سرزمین‌های اسلامی درآمد مشخص و منظمی داشته باشد. به نظر می‌رسد این الگو در مقدار و مبلغ از تشکیلات ساسانیان گرفته شده باشد. عمر طرح گرفتن جزیه از ذمیان را بر اساس طبقه ثروتمند، متوسط و فقیر تنظیم کرد. این طرح که در منابع اسلامی به نام «شروط العمریه» مشهور است، برای نخستین بار در عراق اجرا شد. در طی این شروط، عمر بن خطاب به عثمان بن حنیف، عامل مالیاتی خود در کوفه تأکید کرد تا از ثروتمند ۴۸، از طبقه متوسط ۲۴ و از فقرا ۱۲ درهم جزیه دریافت کند (ابویوسف، ۱۳۹۷: ۱۸۷؛ ابوعبید، ۱۹۸۸: ۴۹-۵۰؛ بلاذری، ۱۹۸۷: ۳۷۵؛ قدامه بن جعفر، ۱۹۸۱: ۲۲۵). پیچیده‌ترین مسئله در جزیه، تعیین مقدار آن در مناطق مختلف است. میزان درآمد و امکانات مالی یک منطقه در تعیین مقدار جزیه آن منطقه مؤثر بود. به‌عنوان نمونه، عمر بن خطاب به دلیل آنکه درآمد شام زیاد بود، میزان جزیه شام را بیشتر از یمن تعیین کرد (بلاذری، ۱۹۸۷: ۱۰۷). عامل دیگری که در تعیین میزان جزیه و تعهدات مالی ذمیان تأثیرگذار بود، چگونگی فتح آن منطقه بود. به نظر می‌رسد مناطقی که بدون مقاومت، تسلیم و در صلح با فاتحان پیش‌قدم می‌شدند، جزیه کمتری پرداخت می‌کردند.

نخستین گزارش‌های تاریخی بیان‌گر این است که پیامبر از طریق ارسال نامه درصدد برآمد ساکنین اهل کتاب نواحی شرقی و جنوبی شبه‌جزیره را به اسلام دعوت کند. بنا به گزارش منابع به دنبال نامه‌نگاری پیامبر (ص) به سران کشورها و حکومت‌های اطراف، ساکنان یمن بر این مهم آگاه شده و باذان حاکم ایرانی یمن که از طرف خسرو به حکومت یمن منصوب شده بود به همراه بخشی از ایرانیان از جمله سردارانی همچون فیروز دیلمی به اسلام گرویدند. ایرانیان زرتشتی یمن، همان ایرانیانی بودند که از طرف خسرو انوشیروان برای سرکوبی حبشی‌ها به یمن اعزام شده بودند و در آن‌جا استقرار یافته بودند (واقدی، ۱۳۷۴: ۱/ ۲۴۵ و ۶/ ۴۱۷؛ دینوری، ۱۹۶۰: ۸۴، فاکهی، ۱۴۲۴: ۵/ ۲۲۴). آن‌چه از رفتار پیامبر (ص) با اهل بحرین بر می‌آید اینست که در

بحرین هیچ جنگی رخ نداد و از سوی دیگر، ایشان کسی را مجبور به تغییر و ترک اعتقاداتش نکرد و آنان در پذیرش اسلام یا حفظ دین خود به شرط پرداخت جزیه مختار بودند (بلاذری، ۱۹۸۷: ۷۸-۷۹؛ طبری، ۱۹۶۷: ۳/۳۰۲). خلفای بعد از پیامبر در برخورد با اهل کتاب، سنت رسول الله را رعایت کردند و به گونه‌ای جزیه می‌گرفتند که ماهیتاً اختلافش با پیش از اسلام مشهود، و مدارا و صلح‌آمیز بودنش آشکار باشد (دنت، ۱۳۹۱: ۱۷).

جزیه یک حکم امضایی است؛ یعنی پیش از اسلام وجود داشته و دوره اسلام با تغییرات اندکی تأیید و امضا شده است. بر اساس گزارش‌های تاریخی، نخستین مورد دریافت جزیه - یعنی مورد مسیحیان نجران - به پیشنهاد خود آنان بوده است. درباره آشنایی مسیحیان نجران با رسم جزیه، باید گفت که مجاورت آنان با حمیریان یمن از یک سو و رابطه فرهنگی آنان با مسیحیان شام و آن سوی دریای سرخ از سوی دیگر، زمینه کافی برای آشنایی آنان با رسم جزیه را فراهم آورده بود.

ماهیت جزیه دوره ساسانی با جزیه دوره اسلامی متفاوت است. در دوره ساسانی جزیه از همه افراد، ایرانی و غیرایرانی، گرفته می‌شد و حتی در زمان اصلاحات انوشیروان، برای این منظور سرشماری صورت پذیرفت و معاف‌شدگان فقط طبقه اشراف جامعه ساسانی یا همان بزرگان بودند. علت اخذ جزیه، تأمین خزانه برای مواقع ضروری مانند جنگ بود. به رغم تعیین مقدار جزیه در هر سال، اجرای دقیق و عادلانه آن، علاوه بر درستکاری یا نادرستکاری مأموران، به وضع عمومی اقتصادی و نیز اوضاع سیاسی و نظامی، از جمله در حال جنگ یا صلح بودن کشور، بستگی داشت؛ چنان‌که معمولاً در مواقع جنگ، مالیات‌های غیرعادی دیگری نیز وضع می‌شد (کریستین سن، ۱۳۷۴: ۸۳). اما در دوره اسلامی، فلسفه جزیه و علل اخذ آن و افراد معاف از آن به طور کامل متفاوت بود. در دوره اسلامی پرداخت جزیه یک دستور دینی لازم‌الاجرا برای اهل ذمه بود. این مالیات در دوره اسلامی سبک‌تر شده بود بخشی از اهل ذمه از پرداخت آن معاف شده بودند. معاف‌شدگان از پرداخت جزیه در دوره اسلامی عبارتند از: اطفال و افراد نابالغ، زنان - چون تحت تکفل همسران هستند و نفقه آنان بر شوهرشان می‌باشد از پرداخت جزیه معاف‌اند - با این حال، زنان نیز از مزایای آن بهره‌مند می‌شوند؛ فقرا نیز به دلیل عدم تمکن مالی معاف‌اند. همچنین مسکینی که به او صدقه می‌دادند و نابینای بی‌کسب و کار هم معاف بود. دیوانگان، سالخورده‌گان،

تأثیر جزیه بر مصونیت نظامی زردشتیان و تداوم حیات آن‌ها | ۷۷

کشیشان و روحانیون سایر ادیان، بدون هیچ تعهد مالی در قرارداد ذمه شرکت می‌کردند (قدامه بن جعفر، ۱۹۸۱: ۲۲۵؛ ابو عبید، ۱۹۸۸: ۴۵-۴۶).

جزیه (گزیت) در امپراتوری ساسانی ارتباطی به مذهب نداشت. صرفاً باجی بود که طبقه بالا از طبقات پایین اجتماع می‌گرفتند. طبقات ممتاز، اشراف، روحانیون و جنگاوران از پرداخت آن معاف بودند. گویا این طبقات به عنوان حمایت و اداره طبقات فرودست اجتماع، این باج را از آنان می‌گرفتند. در هر دو مورد، یعنی هم در اجتماع زردشتی پیش از اسلام و هم در اجتماع اسلامی پرداخت جزیه نشانه فرودستی است (دنت، ۱۳۹۱: ۲۳-۲۴). نظام مالیات جزیه در زمان خسرو انوشیروان سروسامان یافته بود و بر این مبنای شرایط سنی برای افراد پرداخت‌کننده در نظر گرفته شده بود.

جدول ۱. مقایسه مقدار و مبلغ جزیه در اواخر دوره ساسانی با اوایل دوره اسلامی^۱

نرخ جزیه دوره نرخ جزیه دوره عمر (به درهم)	نرخ جزیه دوره پیامبر (ص) و ابوبکر (به دینار)	نرخ جزیه دوره انوشیروان (به درهم)	جزیه دهندگان
۴۸	۱	۱۲	ثروتمندان
۲۴	۱	۸	اقشار متوسط
۱۲	۱	۶	اقشار کم درآمد
---	---	۴	سایر رعایا

شیوه‌های گرفتن جزیه در دوره اسلامی بسیار مهم تلقی می‌شدند؛ زیرا، این شیوه‌ها ارتباط مستقیمی با زندگی اهل کتاب داشتند. چه بسا شیوه نادرستی ممکن بود نارضایتی اهل کتاب را نسبت به دولت اسلامی برانگیزد. یا اینکه موجب ضرر اقتصادی اهل ذمه شود. شیوه‌های گرفتن جزیه در دوران اسلامی بیشتر از روی سیره پیامبر و خلفای راشدین تنظیم شده بود. شیوه‌های گرفتن جزیه ارتباط مستقیمی با چگونگی گشایش شهر دارد. در این ویژگی شهرها به دو دسته (مفتوح بالصلح و مفتوح العنوه) تقسیم می‌شوند:

^۱. نک. ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۱/ ۴۵۵؛ کریستن سن، ۱۳۷۴: ۸۱.

دسته اول: شهرهایی که بدون جنگ به صلح مبادرت ورزیده و بر اساس آن تعهد پرداخت جزیه کرده‌اند که اصطلاحاً مفتوح بالصلح (صُلْحِيَّة) گفته می‌شود (طبری، ۱۹۶۷: ۲۶۲/۴؛ کاسانی، ۱۹۸۹: ۱۱۱/۷). **دسته دوم:** آن‌هایی که پس از جنگ و غلبه مسلمانان با پرداخت جزیه از حمایت مسلمانان برخوردار می‌شدند که اصطلاحاً به این گونه شهرها مفتوح العنوه (عَنْوِيَّة) گفته می‌شود (ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۲۱۵؛ کاسانی، ۱۹۸۹: ۱۱۱/۷).

این تقسیم‌بندی اهمیت زیادی دارد؛ زیرا نحوه گرفتن و مقدار آن جزیه در صورتی که جزیه دهندگان از دسته اول باشند، تابع قراردادی است که طرفین روی آن توافق کرده‌اند؛ اما اگر جزیه‌دهندگان از دسته دوم باشند، در اختیار مسلمین است که چه مقدار جزیه از آنان بگیرند و به عبارت دیگر، تعیین کمیت و کیفیت پرداخت جزیه در اختیار خلیفه یا حاکم اسلامی بود. شیوه مالیات‌گیری مسلمانان به طور کلی با ساسانیان متفاوت بود. علت این امر را باید در مسائل اعتقادی یافت. مالیاتی که پادشاه ساسانی از مردم اخذ می‌کرد به عنوان یک پادشاه و درآمد خزانه شاهی تلقی می‌شد؛ از این رو، میزان مالیات، نحوه اخذ آن و بخشودگی مالیاتی برای افراد طبقه بزرگان یا مردم عادی با رأی و نظر شاه و بنا به دلایل و صلاحدید شاه بود. اما، مالیاتی که مسلمانان از ایرانیان زرتشتی می‌گرفتند مبنایی اعتقادی-اسلامی داشت و تا حدودی ثابت بود. از سوی دیگر، فقیر و غنی یا اشراف و بزرگان از پرداخت آن معاف نبودند. همانطور که پیشتر گفته شد جزیه در واقع پولی برای جلوگیری از تعرض به اهل کتاب بود که به سبب پرداخت آن به اهل ذمه اجازه داده می‌شد تا در قلمرو اسلامی زندگی کرده و عقاید خود را داشته باشند. در صورت تغییر دین جزیه از اهل ذمه ساقط می‌شد.^۱ درحالی که در دوران ساسانی هیچ تغییری نمی‌توانست باعث معافیت فرد از پرداخت جزیه شود. در دوران ساسانی اخذ جزیه به صورت اقساط چهارماهه بود؛ اما در دولت اسلامی جزیه طبق نظر حاکم وقت یا در ابتدای سال و یا در انتهای سال به صورت یک‌جا گرفته می‌شد (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۴۵۵/۱، کریستین سن، ۱۳۷۴: ۸۱).

^۱ اگرچه بر اساس گزارش‌های تاریخی برخی از خلفای اموی بر خلاف این قانده، از تازه مسلمانان نیز جزیه می‌گرفتند (دنت، ۱۳۹۱: ۲۳، ۳۱).

تأثیر پارادوکسیکال جزیه بر اسلام‌پذیری زرتشتیان

با توجه به مطالب پیش‌گفته و مقایسه مقدار جزیه دریافتی در اواخر دوره ساسانی با دوره اسلامی، در قلمرو خلافت شرقی که عموماً محل زندگی زردشتیان بوده روشن می‌شود که جزیه دوره اسلامی، از یک طرف به سبب این‌که مقدارش کم بوده و مسلمین به عدالت و انصاف رفتار می‌کردند و گاهی با بخشودگی جزیه را دریافت می‌کردند؛ به پیروان سایر ادیان از جمله زرتشتیان این امکان را می‌داد که به راحتی مذهبشان را حفظ کنند؛ کما این‌که در ایران این اتفاق افتاد. از سوی دیگر، همین موارد (مقدار کم جزیه، عدالت و نظایر این‌ها) چهره‌ای را از رواداری اسلامی به پیروان سایر ادیان نشان می‌داد که به مرور موجب گرایش آن‌ها به اسلام می‌شد. البته در این گروه سایر پیروان به اسلام، نباید مزایایی را که در قبال این گروه، نصیب تازه مسلمانان می‌شد، دست‌کم گرفت و این گروه را ساده‌انگارانه صرفاً ناشی از رواداری اسلامی دانست. ایده چوکسی در کنار رواداری مسلمانان با اهل کتاب نیز قابل تأمل است. چوکسی اسلام‌پذیری تدریجی ایرانیان زردشتی را ناشی از همراه شدن آنان با روند جدید اجتماع اسلامی برای بهره‌مندی از مزایای ساختار جدید اجتماعی می‌داند (چوکسی، ۱۹۹۷: ۱۳۹).

در صلح‌نامه‌هایی که صفری فروشانی در مقاله «درآمدی بر صلح‌نامه‌های مسلمانان با ایرانیان در آغاز فتح ایران» به آن‌ها پرداخته است، مقدار جزیه به صورت سرانه ذکر نشده؛ بلکه مجموعاً برای یک شهر در طول سال بیان شده است. با توجه به این‌که جمعیت این شهرها را نداریم، نمی‌توان به درستی مشخص کرد که جزیه سرانه چقدر بوده؛ اما در برخی منابع مقدار رانه جزیه گزارش شده است که در ادامه به آن اشاره می‌شود. لازم به ذکر است ولهاوزن (۱۹۷۳: ۲۷۷-۲۷۶) میزان مالیات سرانه در اسلام را چنان ناچیز می‌داند که معافیت از آن نمی‌توانست موجب تشویق مردم بر تغییر مذهب باشد (دنت، ۱۳۹۱: ۴۶). شواهد تاریخی نشان می‌دهد بیشتر ایرانیانی که در زمان ساسانیان از پرداخت مالیات سرانه معاف بودند در دوره اسلامی نیز برای ادامه معافیت مزبور به دین اسلام گرویدند. در مقابل، کسانی که قبل از اسلام مالیات سرانه می‌پرداختند، پس از اسلام نیز با ادامه پرداخت آن به دین خود باقی ماندند (همان، ۷۳). به نظر می‌رسد فشارهای اقتصادی می‌توانست موجب گرایش زردشتیان به اسلام شود. بدیهی است این فشارها در فقیران زردشتی مؤثرتر بود. به همین دلیل، روحانیان

زردشتی بدان توجه کرده و می‌کوشیدند تا فرهنگ دستگیری از هم‌دینان فقیر را نهادینه سازند (صد در نثر، ۱۹۰۹: در ۶۰، بند ۷: ۴۲) برخی این تلاش و تدبیر یاری به نیازمندان زردشتی را یکی از عوامل پیدایش جنبش مزدکیان دانسته‌اند (زرین‌کوب و یزدانی راد، ۱۳۹۰: ۱۰۶).

در منابع تاریخی گزارش‌های متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد زردشتیان بر اساس توافق با حاکمان مسلمان با پرداخت جزیه، بر آیین خود باقی ماندند. در ادامه به برخی از این گزارش‌ها اشاره می‌شود:

- در موافقت‌نامه حبیب بن مسلمه با اهل تغلیس، میزان جزیه دریافتی یک دینار بوده است (بلاذری، ۱۹۸۷: ۲۰۴). این میزان مبلغی بود که معمولاً از اهل ذمه نقاط دیگر مانند یمن نیز دریافت می‌شد. البته خلیفه دوم در برخی نواحی مانند شام میزان جزیه را بالا قرار داد و یادآور شد که این تفاوت به سبب درآمد بیشتر شامیان است (ابوعبید، ۱۹۸۸: ۵۱-۵۰).

- در مصالحه با اهل مَنا طبق پیمان‌نامه، اهل ذمه به جای جزیه نقدی سالانه ۱۴ نوع محصول کشاورزی پرداخت می‌کردند (بلاذری، ۱۹۸۷: ۸۱). پیامبر در یمن برای هر شخص یک دینار، یا معادل آن از معافر یمنی (نوعی پارچه) مقرر فرمود (ابوعبید، ۱۹۸۸: ۵۱؛ بلاذری، ۱۹۸۷: ۹۶). اخذ جزیه از مجوس بحرین و یمن در دوره پیامبر موجب ورود مجوس در زمره اهل ذمه شده است (ابویوسف قاضی، ۱۳۹۷: ۱۴۱-۱۳۹).

- در منابع جغرافیایی قرن چهارم، گزارش‌های زیادی از میزان جزیه اهل ذمه وجود دارد که نشان دهنده اهمیت این نوع از مالیات و از طرف دیگر نشان دهند کثرت سالکنان اهل ذمه در بلاد اسلامی است. از جمله ابن خردادبه (۱۹۶۷: ۱۲۵) مقدار جزیه اهل ذمه بغداد را ۱۳۰۰۰۰۰ درهم و قدامه بن جعفر (۱۹۸۱: ۲۲۶)، ۲۰۰۰۰۰۰ درهم نوشته است. ابن حوقل نیز در سال ۳۵۸، جزیه نصیبین، ۵۰۰۰۰ دینار (۷۵۰۰۰۰ درهم) گزارش کرده است (۱۹۳۸: ۲۱۴).

- نخستین شهر بزرگ خراسان که به دست مسلمان‌ها افتاد، نیشابور بود که پس از مقاومتی تسلیم شد و اهالی آن‌جا پیمان بستند تا به جای مسلمان شدن سالیانه ۷۰۰ هزار درهم به مسلمان‌ها بپردازند (دنت، ۱۳۹۱: ۸).

• طبق گزارش منابع خالد بن ولید خطاب به یکی از اهل ذمه می‌نویسد: «از خالد بن ولید به ابن صلویای سوادی که در ساحل فرات ساکن است، تو در امان خدا هستی؛ زیرا خون خود را با پرداخت جزیه حفظ نمودی و از طرف خود و خاندان و اهل جزیره‌ات و نیز ساکنان دو روستایت بانقیا و باروسما هزار درهم پرداختی و من آن را از تو قبول نمودم و مسلمانانی که با من هستند نیز بر آن رضایت دادند و به همین جهت حمایت خدا، محمد (ص) و مسلمانان از آن توست. هشام بن ولید بر این نوشته گواه است» (طبری، ۱۹۶۷: ۳/۳۴۳). ابن اعثم، صلح بانقیا را بین جریر بن عبدالله و دادویه بن فرخان دانسته است و مقدار مال المصالحه را صد هزار درهم ذکر می‌کند. طبری در جای دیگر، متن عهدنامه را به گونه دیگری ذکر می‌کند و طرف قرارداد خالد را صلوبابن نسطونا می‌داند (ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۱/۹۵؛ طبری ۱۹۶۷: ۳/۲۴۴).

• بنا به نوشته طبری، خالد هنگام روبه رو شدن با قبیصه او را بین سه امر پذیرش اسلام، پرداخت جزیه و جنگ مخیر کرد که قبیصه در جواب گفت: «ما نیازی به جنگ با تو نداریم؛ بلکه دین خود را حفظ نموده و به تو جزیه پرداخت می‌نماییم» و خالد با آن‌ها بر پرداخت نود هزار درهم، مصالحه کرد (طبری، ۱۹۶۷: ۳/۳۴۴-۳۴۳).

بلاذری در روایتی، طرف‌های خالد را علاوه بر ایاس یا فروه فرزند او، افراد دیگری همچون عبدالمسیح بن عمر و هانی بن قبیصه ذکر می‌نماید و درباره محتوای صلح نامه چنین می‌نگارد: با خالد بر صد هزار درهم و یا هشتاد هزار درهم در هر سال مصالحه کردند و نیز متعهد شدند که جاسوس مسلمانان علیه ایرانیان باشند و مسلمانان نیز متعهد شدند که هیچ کلیسا و قصری را از آنان ویران نکنند. بلاذری در روایت دیگر، مال المصالحه را صد هزار درهم در هر سال دانسته و شروط دیگر، همانند تعهد عدم توطئه علیه مسلمانان و جاسوسی کردن به نفع مسلمانان را نیز اضافه می‌کند و تاریخ آن را سال دوازدهم قمری می‌داند (بلاذری، ۱۹۸۷: ۵۰ و ۲۴۴). از ظاهر عبارات ابن اعثم چنین بر می‌آید که صلح حیره را عبدالمسیح با خالد منعقد کرده و مقدار مال المصالحه صد هزار درهم و طلیسان شیرویه پسر کسری بود که سی هزار درهم قیمت داشت (ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۱/۹۵). طبری چنین می‌آورد که بعد از درگذشت ابوبکر حیریان به این معاهده پایبند نمانده و آن را نقض کردند و مثنی بن حارثه پس از غلبه بر آن‌ها شرط

دیگری علیه آنها وضع کرد. بار دیگر شورش کردند و پس از چندی سعد بن ابی وقاص بر آنها غلبه کرد و از آنها خواست تا به عهدنامه خالد و یا مثنی عمل نمایند؛ اما آنها قبول نکردند و سعد پس از تحقیق دریافت که آنها می‌توانند تا چهار صد هزار درهم به جز اموال برگزیده (یا جواهرات پادشاهی) بپردازند و همین را بر آنها قرار داد (طبری، ۱۹۶۷: ۳/۵۴۲-۵۴۳).

• در سال دوازدهم قمری دهقانان بین‌النهرین منتظر نتیجه برخورد بین خالد و حیریان بودند. وقتی دیدند سرانجام کار آنها به صلح انجامید نزد خالد آمده و با او بر سر محدوده بین فلوجه علیا و سفلی تا هرمزگرد به مصالحه نشستند و قراردادی به ضمانت پرداخت دو میلیون درهم به صورت سالیانه تنظیم شد (همان، ۱۴۳/۷، ۱۴۹).

• بلاذری در روایتی از ابوعاصم رامهرمزی که بیش از صد سال عمر کرده بود چنین نقل می‌کند که ابوموسی اشعری با اهل رامهرمز بر پرداخت سیصد هزار یا نهصد هزار درهم مصالحه نمود. اما آنها نیرنگ کرده و نقض عهد نمودند و ابوموسی مجبور شد آن شهر را با جنگ فتح کند. وی در روایت دیگری چنین نقل می‌کند که ابوموسی با اهل رامهرمز صلح نمود، اما این مصالحه نقض شد و ابوموسی ابومریم حنفی را به سراغ آنها فرستاد و مصالحه‌ای با تعهد پرداخت سیصد هزار درهم منعقد شد (بلاذری، ۱۹۸۷: ۳۷۲).

نتیجه‌گیری

جزیه یا مالیات سرانه از جمله مالیات‌های دوره اسلامی است که از اهل ذمه گرفته می‌شد. اهل کتاب ساکن در قلمرو اسلامی (اهل ذمه) با پرداخت این مالیات از شرکت در سپاه و جنگ معاف می‌شدند و در عوض حکومت اسلامی نیز امنیت و مصونیت نظامی آنها را برای انجام مراسم مذهبی تضمین می‌کرد. با توجه به گزارش‌های تاریخی مبنی بر تحقیر اهل ذمه در جامعه اسلامی و همچنین توصیه‌های فقها برای تحقیرآمیز گرفتن جزیه از اهل کتاب برای وادار کردن آنها برای گرایش به اسلام، این تلقی ایجاد شده که جزیه کیفری برای اهل ذمه بوده است و این‌که حاکمان مسلمان با اجرای سخت‌گیرانه و تحقیرآمیز دریافت جزیه، به دنبال مسلمان کردن اهل ذمه بوده‌اند. در این پژوهش با بررسی میزان جزیه دریافتی از اهل ذمه در مقایسه با پیش از اسلام از

تأثیر جزیه بر مصونیت نظامی زردشتیان و تداوم حیات آن‌ها | ۸۳

جهت کمی (مقدار جزیه) و از نظر کیفی (مشمولان جزیه)، روشن شد که این مالیات با وضع سبک‌تری در اسلام اجرا می‌شده و بالتبع تأثیر چندانی در اسلام‌پذیری اهل ذمه نداشته است. اهل ذمه به ویژه زردشتیان که در این مقاله به صورت موردی مطالعه شده‌اند پیش از اسلام نیز مالیات‌های بیشتری به حاکمان پرداخته می‌کرده‌اند. افزون بر کاهش میزان مالیات در دوره اسلامی، وجود جامعه زردشتیان در ایران و سایر نواحی تحت قلمرو خلافت اسلامی، حاکی از آن است که آن‌ها با توجه به همین سنت اسلامی توانسته‌اند آیین خود را حفظ کنند. از سوی دیگر، بررسی روند اسلام‌پذیری ایرانیان و زردشتیان گواه بر آن است که برخی دستورهای فقهی و عرفی بر اجرای تحقیرآمیز دریافت جزیه، تأثیر چندانی در گروش آن‌ها به اسلام نداشته است. چنان‌که یکی از راهکارهای روحانیان زرتشتی برای مقابله با مسلمان شدن زردشتیان نیازمند این بود که به مردم توصیه می‌کردند، کسانی را که قادر به پرداخت جزیه نیستند کمک مالی کنند تا بتوانند جزیه خود را پرداخت کنند. چنین روایاتی به خوبی نشان می‌دهد که مالیات جزیه نه تنها موجب گروش اهل ذمه به اسلام نشده؛ بلکه برعکس موجب بقاء اهل ذمه به ویژه زردشتیان بر دین خود شده است.

فهرست منابع و مأخذ

- آرنولد، توماس و. (۱۳۴۷). «یک تحقیق تاریخی درباره جزیه»، ترجمه و تلخیص محمد مجتهدی شبستری، مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، سال دهم - شماره ۲.
- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم (۱۹۶۵). *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارصادر-داربیروت.
- ابن اعثم، ابومحمد احمد بن علی (۱۳۷۲ش). *الفتوح*، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- ابن حوقل (۱۹۸۳م). *صورة الارض*، بیروت: دار صادر.
- ابن خردادبه (۱۹۶۷م). *المسالك و الممالک*، لیدن: چاپ بریل.
- ابن فراء (۱۹۸۳م). *الاحکام السلطانیة*، تصحیح محمد حامد فقی، بیروت: مکتبه و مطبعة مصطفی البابی الحلبی.
- ابن قیم جوزیه (۱۹۸۳م). *احکام اهل الذمه*، تحقیق صبحی صالح، بیروت: مطبعة جامعه دمشق.

- ابو عبید، قاسم بن سلام (۱۹۸۸م). *کتاب الاموال*، تحقیق محمد خلیل هراس، بیروت: دارالفکر.
- ابویوسف قاضی، یعقوب بن ابراهیم (۱۳۹۷). *کتاب الخراج*، قاهره: تحقیق قصی محب الدین خطیب.
- اصطخری، ابراهیم بن محمد (۱۹۲۷). *مسالك الممالک*، محقق: احمد بن سهل ابوزید، بیروت: دار صادر.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۸۷م). *فتوح البلدان*، به کوشش رضوان محمد رضوان، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بویس، مری (۱۳۸۲ش). *زردشتیان، باورها و آداب دینی آنها*، ترجمه عسکر بهرامی، تهران: ققنوس.
- خوارزمی، محمد بن احمد (۱۳۴۲). *مفاتیح العلوم*، مصر: بی نا.
- دنت، دانیل (۱۳۹۱ش). *مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام*، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: انتشارات خوارزمی.
- دینوری، احمد بن داود دینوری (۱۹۶۰م). *الأخبار الطوال*، چاپ عبدالمنعم عامر، قاهره: دار احیاءالکتب العربیه.
- رضاقلی زاده آهنگر، نرگس (۱۳۸۳). «جامعه زردشتی و مراکز زردشتیان پس از اسلام»، *مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)*، شماره ۵۱.
- زرین کوب، روزبه؛ یزدانی راد، علی (۱۳۹۰)، «تدابیر روحانیان زرتشتی برای مقابله با تغییر دین به دینان (از سقوط شاهنشاهی ساسانی تا پایان سده چهارم)، *جستارهای تاریخی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۲، ش ۱، بهار و تابستان.
- زیدان، جرجی (بی تا)، *تاریخ التمدن الاسلامی*، تصحیح حسین مونس، قاهره: دارالهلل.
- ساسان پور، شهرزاد؛ مفتخری، حسین (۱۳۹۰)، «دگرگونی نظام قشربندی اجتماعی در ایران از سقوط ساسانیان تا پایان امویان»، *مجله تحقیقات تاریخ اجتماعی*، شماره ۱، بهار و تابستان.
- صابریان، علیرضا (۱۳۸۵)، «اهل کتاب و اخذ جزیه از آنان»، *مجله پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، بهار-شماره ۳.

تأثیر جزیه بر مصونیت نظامی زردشتیان و تداوم حیات آنها | ۸۵

- صارمی، میترا (۱۳۹۲). مقایسه مالیات‌های مردم ایران در اواخر دوره ساسانی با اوایل دوره اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- صد در نثر و صد در بندهش (۱۹۰۹م). به کوشش ب.ن. بمبئی: دهابار.
- صفری فروشانی، نعمت‌الله (۱۳۷۹ش). «درآمدی بر صلح‌نامه‌های مسلمانان با ایرانیان در آغاز فتح ایران»، مجله تاریخ اسلام، شماره ۲.
- طباطبائی، سید محمدحسین (بی‌تا). تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- طبری، محمد بن جریر (۱۹۶۷). تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالترات.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الامامیه، تصحیح محمدتقی کشفی، تهران: مکتبه المرتضویه.
- فاکهی، محمد بن اسحاق (۱۴۲۴ق). أخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، مکه: مکتبه الاسدی.
- قدامه بن جعفر (۱۹۸۱م). الخراج و صناعه الکتابه، تحقیق محمدحسین زبیدی، بغداد: دارالحریر للطباعه.
- کاسانی، ابوبکر بن مسعود (۱۹۸۹). کتاب بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، کویت: دارالکتب العلمیه.
- کریستن سن (۱۳۷۴). وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان، ترجمه و تحریر مجتبی مینوی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ماوردی، علی بن محمد (۱۹۷۳م). الاحکام السلطانیه و الولات الدینیه، قاهره: دارالفکر.
- معصومی، محسن، حسین بیاتلو و محمد نورمحمدی (۱۳۹۶). «انگیزه‌های اقتصادی و دینی ایرانیان در مصالحه با عرب‌ها در قرن نخست بر اساس عهدنامه‌ها (رویکرد مقایسه‌ای)»، پژوهشنامه تاریخ اسلام، سال ۷، شماره ۲۵.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۰ق). المقنعه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- میرحسینی، محمدحسن (۱۳۸۸). «روند بهبود امور زردشتیان ایران و حذف جزیه از ایشان در دوره ناصرالدین شاه (با تکیه بر اسناد نویافته در یزد)»، پژوهش‌های علوم تاریخی، شماره ۱، پاییز و زمستان.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۳۷۴). *المغازی*، تحقیق جونز، بیروت: اعلمی.
- یوسفی، عثمان، شهرام یوسفی فر و حسین علی بیگی (۱۳۹۵). «گسترش دین زرتشت در جزیره العرب و روابط پیامبر(ص) با زرتشتیان»، پژوهشنامه تاریخ اسلام، سال ۶، شماره ۲۲.
- Jefery(1938). A., *The foreign vocabulary of the Quran*, Baroda.
- Choksy, Jamsheed (1997). *Conflict and cooperation Zoroastrian subalterns and muslim elites in medieval Iranian society*, new york: Columbia university press.
- Wellhausen, Julius (1973). *the Arab kingdom and its fall*, tr. Margaret Graham weir, London: Curzon Press.